



بازخوانی دلایل مخالفت منتقدان عملکرد دولت:

آبادگران علیه آبادگران



شهراد افشاری
روزنامه‌نگار و کارشناس علوم سیاسی

کوشیدند با گردهم آوردن نیروهای اصول‌گرا گرد یک محور، آخرین حلقه زنجیر سه‌گانه حکومتی خود را تکمیل کنند.

در این راستا علی‌اکبر ناطق‌نوری رئیس‌شورا با تنی چند از سران احزاب و تشکل‌های تأثیرگذار اصول‌گرا تلاش‌های وسیعی را برای معرفی نامزد اصلاح آغاز کردند، اما به رغم این تلاش‌ها به دلیل وجود اختلاف سلیقه و دیدگاه در باره معیارهای شخص مورد نظر، موفق به اجماع نشدند تا سرانجام تکرر نامزدهای ریاست جمهوری به چالش اصلی جناح اصول‌گرا تبدیل شد. شورای هماهنگی که با محوریت ناطق‌نوری و محمدرضا باهنر فعالیت می‌کرد، پس از جلسه‌های متعدد به رغم مخالفت‌های زیاد به علی‌لاریجانی رای مثبت داد، جمعیت ایثارگران خواهان معرفی قالیباف شد،

چرا برخی از اعضای به موسوم ائتلاف آبادگران که در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری حلقه اصلی حامیان احمدی‌نژاد را تشکیل می‌دادند، پس از انتخاب اعضای کابینه به مخالفان و منتقدان اصلی دولت تبدیل شدند؟

برای پاسخگویی به این پرسش که در حال حاضر همچنان ذهن افکار عمومی را به خود مشغول کرده، باید به مستندات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نیز پیامدهای انتخابات ریاست جمهوری توجه و تأمل کرد. اصول‌گرایان که از ابتدای انقلاب تاکنون موفق به تسخیر کرسی ریاست جمهوری نشده بودند، با سازماندهی متمرکز نیروهای خود در تهران و شهرستان‌ها و نیز تشکیل شورای هماهنگی نیروهای انقلاب

آبادگران همچنان برگزیده احمدی‌نژاد با فشاری کرد و محسن رضایی و احمد توکلی هم به طور مستقل وارد عرصه رقابت‌ها شدند.

حضور متعدد نامزدها در این جناح تا جایی پیش رفت که عملاً امکان تصمیم‌گیری نهایی در باره معرفی نامزد اصلاح، مرتب به تأخیر می‌افتاد سرانجام به دنبال انجام نظرسنجی در سطح کشور برخی از نامزدها (توکلی و رضایی) به دلیل نداشتن جایگاه مناسب در بین مردم و نیز برای آسان کردن پروژه رسیدن به وحدت نظر و اجماع، خود را از ادامه رقابت‌ها کنار کشیدند تا با علی‌اکبر ولایتی که او هم در مخالفت با تصمیمات این شورا از آن خارج شده بود، به هم بپیوندند و عملاً وجود اختلاف نظر و انشعاب در جناح اصول‌گرا را واقعیت بخشند.

اکنون که رقابت‌های انتخاباتی پایان یافته و نامزد آبادگران بدون حمایت سایر احزاب بر مسند قدرت نشسته است، گفتمان جدیدی در بین مجموعه نیروهای اصول‌گرا حاکم شده که هر چقدر از عمر دولت نهم می‌گذرد، مباحث و چالش‌های داخلی آنها نیز بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود.

انشعاب‌های حزبی و شکاف بین اصول‌گرایان

◀◀ دبیر کل موفتلفه:

معتقد نیستم باید

شمشیر قلع و قمع را

برداشت و تمام مسئولان

سابق را تغییر داد ■



که از پیامدهای انتخابات ریاست جمهوری به شمار می‌رود، پس از روی کار آمدن دولت جدید وارد فاز جدید و حساسی شده است، مرحله‌ای که اگر با درایت و هوشمندی همراه نباشد، عواقب تلخ و نگران‌کننده‌ای به دنبال خواهد داشت.

دستمایه اصلی این مرحله که عملاً باعث روی کار آمدن اصول‌گرایان تحول‌خواه و تشکیل جبهه منتقدان دولت شده، تضارب‌اندیشه‌ها و نحوه تعامل با دولت اصول‌گرایی است که حداقل چهارسال اداره امور کشور را به عهده دارد. اکنون شدت طیف‌بندی در این جناح به گونه‌ای است که طرفداران هر تفکر با پیروی از یک گفتمان خاص، به پیچیدگی‌های معادلات و مناسبات قدرت در کشور افزوده‌اند.

ناراضیاتی از ترکیب کابینه و احتمال مسودشدن فضای سیاسی و اجتماعی کشور از جمله نگرانی‌هایی است که موجب شده گروهی از اصول‌گرایان مجلس و شورای شهر با تشکیل گروهی، منتقد جدید احمدی‌نژاد و دولتمردان او شوند. آنها با موضعگیری‌های اخیر خود عملاً راه خود را از دولت جدا کردند و این شائبه را در اذهان عمومی ایجاد کردند که از این پس دیگر اصلاح‌طلبان به دلیل خروج از حاکمیت قدرت نقادی چندانی ندارند و ایفای این نقش مهم را اصول‌گرایان منتقد عهده‌دار شده‌اند.

احمدی‌نژاد که ابتدا اعضای دولت را از نزدیکان خود و نمایندگان شوراها انتخاب کرده بود، به دلیل مخالفت مجلس و تصور اینکه رئیس فراکسیون اکثریت می‌تواند حامی او در تأیید صلاحیت وزیران پیشنهادیش باشد، بدون مشورت با نخبگان و احزاب اصول‌گرا به ویژه همکاران آبادگر خود، اشخاصی را معرفی کرد که نتوانستند نمره قبولی

بگیرند و بدین ترتیب مهم‌ترین وزنه سیاسی مجلس یعنی طیف آبادگران را که تحت رهبری احمد توکلی هستند، از دست داد تا به دلیل کم‌تجربگی، هم چند وزیر به او تحمیل شود و هم متحدان دیروز خود را در پوشش منتقد امروز به چشم ببیند.

اما مساله فقط به این جا ختم نشد، زیرا با افزایش رایزنی‌های منتقدان احمدی‌نژاد و علی‌رغم میل باطنی رئیس جمهوری به بازی معرفی شهردار تهران از بین نیروهای شهرداری و شورای شهر، بالاخره فشارهای جناحی نتیجه داد و سردار دیروز که عملکرد موفقی در اداره نیروی انتظامی داشت، بر مسند شهرداری تهران تکیه زد. انتخاب قالیباف به عنوان شهردار جدید تهران در حالی صورت گرفت که دودسته‌گی در شورای شهر تهران نیز مانند مجلس، به پیچیدگی‌های سیاسی معمای جناحی در کشور افزوده است.

ایثارگران که ابتدا در ترکیب کابینه حضور فعالی نداشتند، با رایزنی‌ها و چانه‌زنی‌های فراوان و تشکیل ائتلاف به علاوه «ا» در شورای شهر تهران به همراه سایر طرفداران قالیباف، از انتخاب گروه «ب» جلوگیری و نامزد دلخواه خود را بر شورا تحمیل کردند. هر چند تجربه، کارایی و عملکرد قالیباف در پست‌های محول شده به او نشانه لیاقت و کاردانی وی بشمار می‌رود، اما با این انتخاب و بنا به گفته بسیاری از صاحب‌نظران، سنگر شهرداری از دست آبادگران بیرون آمد و در اختیار ایثارگران قرار گرفت، جمعیتی که در طول چند ماه اخیر پله‌های ترقی را به تدریج طی کرد تا به پست‌های مدیریتی میانه و نسبتاً بالای کشور دست یافت. با این موفقیت اما یک پرسش اساسی در این وضعیت بدون پاسخ مانده و آن این است آیا

مشورت نکردن آبادگران با مجلس و غلتیدن به سمت اصول‌گرایان سنتی از محوری‌ترین دلایل منتقدان نسبت به رئیس جمهور است ■

قالیباف در آینده مانند احمدی‌نژاد بر مسند اجرایی کشور تکیه خواهد زد یا احتمالاً مانند کرباسچی شهردار اسبق تهران در انتظار سرنوشت نامعلومی بسر خواهد برد؟

چالش‌های اصول‌گرایان که پس از انتخابات شدت بیشتری گرفته، علاوه بر تأثیرگذاری در شورای شهر، نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات فراکسیونی مجلس دارد، به طوری که در حال حاضر نهاد قانونگذاری کشور عمدتاً به دو گروه اصلی طرفداران باهنر (اصول‌گرایان سنتی و محافظه‌کار) و احمد توکلی (اصول‌گرایان تحول‌خواه و اصلاح‌طلب) تقسیم شده است که تمامی خروجی‌های پارلمان ناشی از مذاکرات فکری و اندیشه‌های این دو نفر است.

گروهی از منتقدان جدید دولت معتقدند: احمدی‌نژاد نمی‌تواند منعکس‌کننده خواست‌ها، آرمان‌ها و توانمندی‌های اصول‌گرایان باشد. به گفته این افراد اردوگاه اصول‌گرایان مدیران فراوان و توانمندی دارد که مناسب‌تر از او و همکارانش هستند، اما بنا بر علی این توانایی‌ها بر مردم پوشیده مانده و فعلاً قادر به نقش‌آفرینی نیستند.

در این بین اما گروه دیگری هم هستند که به طور حرفه‌ای با رعایت قواعد بازی وارد عرصه شده‌اند. آنها تعامل مثبت و منفی خود را با دولت بر مبنای دیگری استوار کرده‌اند. یعنی طرفداران خود را در مدیریت‌های دولتی در مجلس حمایت می‌کنند و سایر مدیران را در پروسه زمان به نقد و چالش می‌کشند. این طیف همان اشخاصی هستند که در جریان رای اعتماد مجلس به کابینه دولت چند وزیر خود را بر رئیس جمهوری تحمیل کردند و در عین حال باعث افتادن چند وزیر پیشنهادی نیز شدند.

در این طیف، شخصیت‌های فرهنگی و نخبه‌ای هم وجود دارند که از ابتدای معرفی کابینه به مجلس توجه جدی بر نظارت داشته و از نقد قدرت و حکومت همیشه استقبال کرده‌اند. عماد افروغ رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، الیاس نادران، حسن سبحانی و چند نماینده دیگر از فعالان این طیف محسوب می‌شوند که هم جزو آبادگران هستند و هم در عین حال منتقد دولت.

به گفته آبادگران منتقد دولت، رئیس جمهوری هنگام انتخاب وزیران پیشنهادی هیچگونه مشورتی با نخبگان و کمیسیون

فرهنگی مجلس انجام نداد. اگر چه طبق قانون این مشورت الزامی نیست، اما در صورت انجام آن بسیاری از چالش‌های فکری موجود بر طرف می‌شد.

اکنون به برخی از مستندات و دلایل مخالفت منتقدان جدید دولت اشاره می‌کنیم:

۱- جبهه منتقدان دولت در مجلس که تحت رهبری توکلی و بهره‌گیری از نظریه‌های افروغ قرار دارند، استفاده صرف از دوستان، نزدیکان و اعضای شوراها و شهرداری‌ها را در ترکیب دولت به صلاح نمی‌دانند و معتقدند: همکاری و همراهی آنها با احمدی‌نژاد در جریان انتخابات، نمی‌تواند دلیلی بر حضور آنها در غرضه‌های مدیریتی باشد، زیرا اگر بنا بر استفاده از دوستان در پست‌های مدیریتی باشد، همان نظام خویشاوند-سالاری گذشته در قالبی دیگر تداوم می‌شود که با مخالفت افکار عمومی روبرو شده و در ضمن با شعارهای رئیس جمهوری مبنی بر رعایت عدالت و مبارزه با تبعیض و خویشاوند سالاری در تضاد است.

۲- بی‌تجربگی یا کم‌تجربگی، دیگر محور انتقاد آبادگران از دولت است به اعتقاد آنها برخی از وزیران به دلیل نداشتن تجربه کافی در مدیریت‌های حساس و کلیدی، گزینه مناسبی برای اداره وزارتخانه‌های تحت امر خویش نیستند، به همین دلیل هنگام رای اعتماد در مجلس مخالفت خود را با این واقیعت اثبات کردند. رای بالای وزیر مسکن و راه و ترابری در این خصوص نشانگر توجه ویژه این نمایندگان به تجربه و سوابق کاری وزیران محسوب می‌شود.

۳- اصول‌گرایان آبادگر، مجلس معتقدند: نگاه امنیتی به مقوله‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی عاقبت خوشی نخواهد داشت. به اعتقاد این منتقدان وزیرانی که احمدی‌نژاد به مجلس معرفی پیشینه نظامی و امنیتی دارند و این امر در طول زمان ممکن است بر پروسه تصمیم‌گیری تأثیر نامطلوب به جا گذارد، از این رو انتخاب پورمحمدی به عنوان وزیر کشور یا سایر وزیران می‌تواند فضای کشور را امنیتی کرده و موجبات سلب آرامش و آسایش مردم را فراهم آورد.

۴- رایزنی و معامله با فراکسیون اکثریت در جریان رای اعتماد مجلس به دولت، دیگر محور نارضایتی منتقدان از عملکرد احمدی‌نژاد است. آنها می‌گویند: رئیس جمهوری که مورد حمایت

آبادگران قرار گرفته و پیروزی خود را مدیون تعامل و همکاری آنها می‌داند، شایسته‌تر بود به جای مذاکره پنهانی با رئیس فراکسیون اکثریت و دادن قول انتخاب چند وزیر به آنها، به دامان نزدیکان و مدافعان واقعی خود باز می‌گشت، تا در گرفتن رای اعتماد با مشکل مواجه نمی‌شد!

۵- آبادگران منتقد می‌گویند: پس از یکسان شدن حاکمیت و تسلط اصول‌گرایان بر قوای سه‌گانه به دلیل نبود مخالفان و اصلاح‌طلبان در بافت قدرت، امکان نقد حکومت و قدرت ضعیف شده و ممکن است نظارت و بازرسی بر عملکرد دولت کمرنگ شود یا اصلاً از بین برود، لذا باید از این پس با تقویت گفتمان "خود انتقادی"، بر نحوه عملکرد دولت نظارت و کنترل بیشتری اعمال کرد.

۶- یکی از مباحث اختلاف برانگیزی که اخیراً چالش‌های تازه‌ای بین اصول‌گرایان به وجود آورده، بحث دوشغله یا چند شغله بودن دولتمردان است. پس از معرفی وزیران و آغاز به کار دولت، رئیس جمهوری با انتصاب برخی از دوستان و نزدیکان خود در شوراها یا شهرداری به عنوان مشاور، موجی از مخالفت‌های گسترده را دامن زد، به طوری که بیشتر دامنه مخالفت‌ها از ناحیه مجلس مشاهده می‌شود. نمایندگان مردم معتقدند طبق قانون، اعضای شوراها نمی‌توانند هم در این نهاد مدنی فعالیت کنند و هم در عین حال در دولت حضور داشته باشند، در حالی که افراد به کار گماشته شده بر خلاف این دیدگاه، حضور در شورا را مانعی برای ادامه فعالیت در دولت نمی‌دانند. از این رو مخالفت‌های گسترده‌ای با این تصمیم احمدی‌نژاد صورت گرفته و آن را با شعارها و آرمان‌های دولت اسلامی در مغایرت می‌بینند.

۷- تاکید بر اصل استقلال قوا علت دیگری است که منتقدان دولت بر آن پافشاری می‌کنند. آنها می‌گویند: طبق این اصل قوای سه‌گانه باید بدون دخالت در امور یکدیگر به وظایف اصلی خود

**برخی
اصول‌گرایان می‌گویند
دولت نهم دولت
اصول‌گرای به تمام
معنا نیست**



رسیدگی کنند، بنابراین اگر قرار باشد در مباحثی مانند رای اعتماد به وزیران، نظر مجلس لحاظ نشود و چشم و گوش بسته فقط دیدگاه دولت مدنظر قرار گیرد، به اصل تفکیک قوا خدشه وارد می‌شود. از منظر این نمایندگان مجلس با تاکید بر اصل تفکیک قوا ضمن حمایت از دولت در عین حال به وظایف نظارتی و قانونی خود نیز می‌پردازند، زیرا معتقدند اصل یکپارچگی حکومت و رفاقت نباید و نمی‌تواند فدای ملاحظات سیاسی و جناحی شود، پس باید در این راستا هم طرفدار و حامی دولت بود و هم در مقابل خطاها و اشتباهات احتمالی آنها واکنش و عکس‌العمل نشان داد.

۸- عدم سنخیت شعارهای داده شده با برنامه‌ها و سیاست‌های دولت محور، دیگر انتقاد اصول‌گرایان از احمدی‌نژاد است. رئیس جمهوری که با شعارهای جذاب آرمان‌گرایی، عدالت‌خواهی، مقابله با تبعیض و فساد، جلوگیری از رانت خواری و شایسته سالاری کار خود را آغاز کرده، در ادامه راه خود نمی‌تواند با ترکیب کابینه، به این شعارها و برنامه‌ها عینیت بخشد.

منتقدان دولت و اصول‌گرایان اصلاح‌طلب معتقدند: برخی از این وزیران با نگرش و تفکری که نسبت به امور سیاسی و اقتصادی دارند، قادر به اجرای برنامه‌های رئیس جمهوری نیستند و در واقع تفکر آنها مغایر دیدگاه احمدی‌نژاد است. دایره مخالفت با دولت البته فقط منحصر به ائتلاف آبادگران نیست، بلکه بخشی از اصول‌گرایان سنتی که در قالب جبهه پیروان خط امام و رهبری فعالیت

می کنند، نوک حملات خود را متوجه عملکرد احمدی نژاد کرده اند. مریم بهروزی دبیر سیاسی این جبهه اخیراً اعلام کرده که دولت نهم دولت اصول گرای به تمام معنا نیست.

خبرگزاری ایلنا به نقل از او اعلام کرده بود که احمدی نژاد اصول گرایان را به اعضای شورای شهر، شهرداری ها و ستاد انتخاباتی محدود کرده در حالی که دایره این جناح فراتر از افراد معرفی شده و سلیق است. بهروزی افزوده است: این دولت نمی تواند اصول گرای کامل باشد، زیرا در دولت خاتمی از همه سلیق موجود در جبهه اصلاحات استفاده شد، اما رئیس جمهوری کنونی از اصول گرایان هم استفاده نکرد. (خبرگزاری ایلنا، ۵ مهر، بخش سیاسی، دولت احمدی نژاد اصول گرای کامل نیست)

منتقدان، انتخاب تیم اقتصادی دولت را که در آن دیدگاه ها و تفکرات یکسانی در مورد مسایل اقتصادی به ویژه خصوصی سازی وجود ندارد، دلیلی بر عدم سختی شعارها و برنامه های دولت ارزیابی می کنند.

۹- آبادگران مجلس که با عنوان "اصول گرایان تحول خواه" یا اصلاح طلب فعالیت می کنند، همچنین نگرانی خود را از تبدیل "جمهوری اسلامی" به "حکومت اسلامی" اعلام کردند. به اعتقاد منتقدان حذف واژه جمهوری از نظام اسلامی به معنای بسط و گسترش حکومت اقتدارگرایانه و مخالفت با هرگونه نقد و نظارت بر عملکرد دولت است، لذا باید جمهوری اسلامی همچنان با همین عنوان به اداره کشور و نظام پردازد و جلوی هرگونه شائبه برقراری حکومت اسلامی را بگیرد تا دیگر افکار عمومی از این بابت نگرانی نداشته باشند.

عماد افروغ رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس می گوید: ما باید از انقلاب اسلامی و تبیین آن به عنوان محک و معیار نقد جمهوری اسلامی استفاده کنیم و این طور نباشد که هر اتفاقی را که رخ می دهد به اسم اینکه انقلاب تضعیف و پایه های نظام سست می شود، توجیه و سکوت و آن را تطهیر کنیم، زیرا در بلندمدت با آسیب ها و افت های زیادی روبرو می شویم که یکی از آنها مواجه شدن با نقدهای برون گفتنی است.

وی می افزاید: دانشگاه ها و حوزه های علمیه به عنوان دو نهاد نقاد، همواره باید بین جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی فرق قایل شوند و از

قابلیت های انقلاب برای نقد جمهوری اسلامی استفاده کنند تا جمهوری همواره رو به رشد باشد. افروغ معتقد است: آقای احمدی نژاد در فرآیند شکل گیری کابینه، از مشاوره و اخذ مشورت و با تعامل با چهره های نخبه متعین اجتماعی غیررسمی خوب استفاده نکرده است. (خبرگزاری ایسنا، ۸ مهر ۸۴، بخش سیاسی و مجلس)

۱۰- ایجاد تغییرات و تحولات اساسی در مدیریت های کشور از جمله افتخادهایی است که متوجه عملکرد دولت نهم به ویژه وزارت کشور است. در حال حاضر بسیاری از مخالفان و منتقدان احمدی نژاد، انتخاب مدیران زیرمجموعه وزارت کشور را به صلاح نمی دانند و نگرانی خود را نسبت به امنیتی شدن فضای اجتماعی ابراز می کنند.

در این جهت البته علاوه بر اصول گرایان تحول خواه، شخصیت های برجسته سنتی این جناح نیز مانند عسکروالادی و یا محمد نبی حبیبی دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی از سطح تغییرات ایجاد شده رضایت ندارند. حبیبی در این خصوص می گوید: هر دولتی حتی اصول گرا بی نیاز از انتقاد، ارزیابی و حتی اعتراض نیست. در بین اصول گرایان اگر کسی تصور کند انتقاد از دولت، مجلس و قوه قضاییه ممنوع است، حرفی شاهنشاهی بیان کرده، زیرا ممنوع دانستن انتقاد در درون خود، تعبیری شاهنشاهی است که بارنگ و لعاب دیگری عرضه می شود.

دبیرکل جمعیت مؤتلفه انتقاد از انتخاب معاونان و مدیران وزیران را یادآور شده، ادامه می دهد: معتقد نیستیم که باید شمشیر قلع و قمع برداشت و تمام مسوولان سابق را تغییر داد. ما معیارهایی برای اصول گرایان داریم، اما اگر فردی از دولت قبل چنین معیاری را داشت، می توان او را به کار گرفت. (روزنامه شرق، ۱ مهر، "آغاز انتقاد از احمدی نژاد")

اینک با توجه به محورها و مستندات ده گانه آبادگران و منتقدان دولت در انتقاد از عملکرد رئیس جمهوری به نظر می رسد انشعاب های حزبی و گسست عقیدتی و فکری بین جناح اصول گرا قدری محتمل تر خواهد بود. آغاز فعالیت رسمی "جبهه اصول گرایان اصلاح طلب ایران اسلامی" پس از چند ماه فعالیت آزمایشی و نیز حمایت رئیس فراکسیون اکثریت مجلس از دولت در برخی موارد از نکات مهمی است که در آینده نه چندان دور منشاء تحولات و اتفاق های تازه خواهد بود.



باهر که در جریان بازدید از نمایشگاه نیروی انتظامی در مجلس سخن می گفت، همچنین همسو با سایر منتقدان که در انتخاب مدیران و معاونان وزرا از عملکرد برخی وزیران گلایه مند بود، ضمن هشدار به این حرکات گفت: وزرای آقای احمدی نژاد آرای متفاوتی کسب کردند و طبیعی است کسانی که آرای کمتری آوردند، باید در رفتارشان مواظبت بیشتری بکنند.

وی افزوده است که ارتباط مجلس با دولت ارتباط بسیار دوستانه و همگرا اما در عین حال جدی است و معتقدیم باید از اختیارات خود استفاده کنیم و در ضمن پاسخگویی این اختیارات باشیم. (خبرگزاری ایسنا، ۱ مهر ماه ۸۴)

با این همه، برآیند مسایل و قضایای حاکی است که در آینده مهم ترین و محوری ترین چالش بین اصول گرایان را "چگونگی نظارت و بازرسی بر عملکرد وزارت کشور" تشکیل می دهد و باید انتظار داشت در این راه مجلس از تمامی ابزارهای قانونی خود برای اعمال نظارت مستمر و پویا بر این وزارتخانه حساس بهره ببرد.

مجلس هفتم به خوبی اثبات کرده که در عرصه مسوولیت پذیری هیچ چیز حتی قربانیت های جناحی و یکسان بودن حاکمیت نمی تواند، دلیلی بر اغماض و چشم پوشی از خطاهای احتمالی همفکران خود باشد. شاید در شرایط کنونی بتوان گفت آبادگران که عرصه های قدرت و مسوولیت را یکی از پس از دیگری پیموده اند، چگونه علیه خود برخاسته اند و به جمله کوتاه "آبادگران علیه آبادگران" معنا بخشیده اند.